

Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.4.9.2

## Measuring the Satisfaction of the Quality of Life in raw Cities (Case Study: Boostan and Sepidar Cities, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Provinces)

Ali Hosseini<sup>1\*</sup> & Ali Saberi<sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Human Geography & Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Ph.D Candidate, Land use Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

\* Corresponding author: Email: [a.hosseini@ut.ac.ir](mailto:a.hosseini@ut.ac.ir)

Receive Date: 31 July 2022  
Accept Date: 14 November 2022

### ABSTRACT

**Introduction:** One of the strategies that has been considered in recent decades to raise the standard of living for those who live in rural regions is the concept of converting those places into cities. Due to this policy, several rural communities in Iran have transformed into cities during the past few decades.

**Research Aim:** residents' satisfaction with their quality of life in Boostan and Sepidar and examine how the conversion of rural regions into cities has improved their quality of life.

**Methodology:** Also, the research type is applied and the method is descriptive-analytical. The research data were gathered through library study and field research. The residents of the studied cities represent the research's statistical population, which was determined using the Cochran formula with a sample of 270 persons. The research was analyzed using Descriptive Statistics, Kolmogorov–Smirnov test, Friedman test, and ordinal regression.

**Geographical Area:** This study was conducted in Boostan and Sepidar cities in Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces.

**Results:** The study's findings indicate that the two cities have varied levels of satisfaction with their of life. The Kolmogorov–Smirnov test findings show that Boostan city residents are better satisfied with their quality of life. According to the findings of the Friedman test, place quality in Sepidar city and the educational in Boostan city has the maximum degree of satisfaction. while the the component of economic in both cities have the minimum levels of satisfaction. The results of ordinal regression also demonstrate that whereas the independent factors in Sepidar city have a weak and low influence on the dependent variable of quality of life satisfaction, they have a significant and positive impact in Boostan city.

**Conclusion:** In general, the results of the study show that the policy of promoting settlements and the measures taken have been successful in Boostan in contrast to Sepidar.

**KEYWORDS:** Residents' Satisfaction, Boostan City, Sepidar City, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Provinces



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی  
دوره ۱۸، شماره ۴ (پیاپی ۶۵)، زمستان ۱۴۰۲  
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۵X-۲۵۳۸  
<http://jshsp.iurasht.ac.ir>  
صص. ۲۲۱-۲۳۶

Dor: 20.1001.1.25385968.1402.18.4.9.2

مقاله پژوهشی

## سنجش رضایتمندی کیفیت زندگی در خام شهرها (مطالعه موردی: شهرهای بوستان و سپیدار، استان کهگیلویه و بویراحمد)

علی حسینی<sup>۱\*</sup> و علی صابری<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران  
۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول: Email: a.hosseini@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۹ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۳ آبان ۱۴۰۱

### چکیده

**مقدمه:** سیاست تبدیل نقاط روستایی به شهر، یکی از سیاست‌هایی است که در دهه‌های اخیر به‌منظور بهبود رضایتمندی ساکنان نواحی روستایی مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ایران نیز این سیاست مورد توجه بوده است. به‌طوری که طی دهه‌های گذشته نقاط روستایی بسیاری تبدیل به شهر شده‌اند.  
**هدف:** بررسی تبدیل نقاط روستایی به شهر و نقش آن در بهبود رضایتمندی ساکنان در دو شهر بوستان و سپیدار و مقایسه رضایتمندی آن‌ها از این اقدام.  
**روش‌شناسی تحقیق:** نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی به وسیله پرسشنامه محقق ساخته به دست آمده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل سرپرستان خانوار شهرهای مورد مطالعه است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۷۰ نفر تعیین شد. برای تحلیل پژوهش از آمارهای توصیفی و آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف، فریدمن و رگرسیون ترتیبی استفاده شد.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** این مطالعه در دو شهر بوستان و سپیدار در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان رضایت از زندگی در دو شهر متفاوت است؛ با توجه به نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف، رضایت از زندگی در شهر بوستان بیشتر است. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که شهروندان از مولفه کیفیت مکان در شهر سپیدار و آموزش در شهر بوستان بیشترین رضایت را دارند، در حالی که مولفه اقتصادی در هر دو شهر دارای کم‌ترین میزان رضایتمندی است. نتایج رگرسیون ترتیبی نیز نشان می‌دهد که در شهر بوستان متغیرهای مستقل پژوهش تأثیر زیادی در تبیین متغیر وابسته رضایتمندی از زندگی دارند، در حالی که در شهر سپیدار این تأثیر ضعیف و کم است.

**نتایج:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست تبدیل نقاط روستایی به شهر تأثیر مطلوبی بر بهبود رضایتمندی ساکنان در شهر بوستان داشته است. در حالی که اجرای این سیاست در شهر سپیدار ناموفق بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت از زندگی، شهر بوستان، شهر سپیدار، کهگیلویه و بویراحمد

## مقدمه

تمدن بشری در آغاز قرن بیست و یکم با شتاب بیشتری به سوی شهری شدن می‌رود، به طوری که جهان بیش از پیش در حال تبدیل شدن به دنیایی از شهرهاست (حاضری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۴). یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها در شهرهای امروز، موضوع رشد سریع جمعیت و به تبع آن گسترش شتابان شهرهاست. براساس بررسی‌های انجمن برنامه‌ریزان شهری، امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ تا ۷۰ درصد افزایش یابد (Asongu, 2020: 411; Sun et al., 2020: 48). این افزایش چشمگیر جمعیت شهرنشین، شهرها را با چالش‌های زیادی مواجه کرده است. مسئله رشد سریع شهرنشینی در کشور ایران نیز وجود دارد. در دهه‌های اخیر شهرهای ایران نیز دچار تحولات چشمگیری شده‌اند، به طوری که روند رشد شهرنشینی در پی تحولات اقتصادی و اجتماعی، موجب رشد لجام گسیخته و بی‌قواره شهرهای کشور شده است (حاجی‌بابایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰).

براساس آمار سال ۱۳۹۵، بیش از ۷۴ درصد از جمعیت کشور در شهرها سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). در پی این افزایش شدید جمعیت شهرنشین؛ موازنه جمعیت بین نواحی شهری و روستایی دچار مشکل شده است. نتیجه چنین اتفاقی، خالی شدن سکونتگاه‌های روستایی و فشار زیاد به کلانشهرها و شهرهای بزرگ منطقه‌ای و مراکز استان‌ها است. یکی از راه‌حل‌ها برای کاستن از این مشکل، ایجاد شهرهای کوچک از طریق تبدیل نقاط روستایی بزرگ به شهر است که با هدف جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و ایجاد موازنه در نظام سکونتگاهی ایجاد شده‌اند. برخی از مطالعات، تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به نقاط شهری (عموما شهرهای کوچک) را یک امتیاز مهم در ایجاد توسعه منطقه‌ای قلمداد می‌کنند (تمیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰)، زیرا این شهرها با ایجاد فرصت‌های شغلی غیر زراعی و ارائه خدمات مورد نیاز ساکنان، در کاهش مهاجرت از این مناطق نقش موثری ایفا می‌کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴). بر طبق این سیاست، طی چند دهه اخیر، مناطق روستایی زیادی به نقاط شهری تبدیل شده‌اند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷). به طوری که طی ۵۵ سال گذشته، تعداد شهرها از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیدند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که با توجه به آمار، به غیر از ۲۶ مورد از آن‌ها که شهرهای جدید و نوین بودند، بقیه روستاهایی بودند که به دلایلی مانند تقاضا و پیگیری مردم محلی، مشارکت مالی مردم محلی، موقعیت مناسب یا خاص جغرافیایی، جمعیت نسبتاً زیاد، پیگیری نماینده شهرستان در مجلس و... به شهر ارتقا یافته‌اند (تاج‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷). این مسئله تحت تاثیر تغییر قوانین تقسیمات کشوری در زمینه شناخت شهر در اوایل دهه ۱۳۷۰ و سیاست تبدیل نقاط روستایی به شهر شکل گرفت که پیامد آن افزایش تعداد روستا-شهرهای کوچک در شبکه سکونتگاهی شهری کشور بوده است (ایزدی و نوذری، ۱۳۹۲: ۷۹). یکی از مسائلی که با وقوع این اتفاق در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ توجه به کیفیت زندگی ساکنان و به صورت کلی ارتقاء کیفیت زندگی آن‌هاست. چرا که یکی از اهداف اصلی و مهمی که در هر تغییر و تحول شهری مدنظر است، مسئله نیازهای ساکنان و توجه به بهبود زندگی آن‌ها از طریق رفع موانع و به وسیله برنامه‌ریزی‌های مطلوب و برای رسیدن به آسایش و رفاه جمعی آن‌هاست.

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان رضایتمندی ساکنان شهرهای بوستان و سپیدار در استان کهگیلویه و بویراحمد بعد از تبدیل آن‌ها به شهر است. تا از طریق این مقایسه، میزان رضایت ساکنان از این اقدام و همچنین میزان و مطلوبیت تغییرات صورت گرفته در این سکونتگاه‌ها، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. براین اساس پژوهش حاضر به دنبال بررسی اهدافی همچون: تعیین وضعیت رضایتمندی سکونتگاهی بعد از شهر شدن در دو شهر مورد مطالعه، بررسی تفاوت این دو شهر بعد از شهر شدن از لحاظ رضایتمندی سکونتگاهی و بررسی میزان تاثیر و اهمیت مولفه‌های رضایتمندی سکونتگاهی در دو شهر است.

رشد جمعیت شهرنشین و گسترش لجام‌گسیخته شهرها، پیامدها و مشکلات چاره‌ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پدید آورده است. این مسئله، توجه تحلیلگران مسائل شهری و منطقه‌ای را به توسعه شهرهای کوچک و متوسط به عنوان راهبردی برای مقابله با عدم تعادل ناشی از توسعه شهرهای بزرگ جلب کرده‌اند که هدف آن؛ دستیابی بهتر سکونتگاه‌های روستایی به خدمات شهری است و موجب تقویت و تحریک توسعه مناطق روستایی و یکپارچگی اقتصادی و فضایی خواهد شد (شوهانی و کاکایی، ۱۳۹۹: ۷۷۹). طرفداران این رویکرد جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاه‌ها را به عنوان مراکز خدمات منطقه‌ای در توسعه

روستایی مطرح می‌کنند و بر ایجاد سلسله مراتب منسجم سکونتگاهی و نیز اثرات توزیع و رخنه به پایین<sup>۱</sup> تاکید دارند. به نظر آن‌ها شرایط شهرهای کوچک از نظر تولید و ساختار نهادی پیشتاز توسعه روستایی و منطقه‌ای بوده و عاملی برای جلوگیری از تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ محسوب می‌گردند (بهارلوئی و نظریان، ۱۳۹۳: ۵۲). در اکثر کشورهای در حال توسعه، جهت‌گیری به سوی شهرهای کوچک یا روستاها<sup>۲</sup> با اهداف بهبود رفاه و کیفیت زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف، کاهش نابرابری‌های موجود بین سکونتگاه‌ها، بهبود نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری به یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای تبدیل شده است (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶). در ایران نیز مطابق نظریه‌های توسعه منطقه‌ای نظیر مراکز رشد میسر<sup>۳</sup>، یوفرد<sup>۴</sup> و نظریه روستا-شهری داگلاس<sup>۵</sup>، برای غلبه بر عدم تعادل‌ها، توزیع فضایی مطلوب جمعیت و کاهش قطبی‌شدن؛ الگوهای غیرمتمرکز توسعه فضایی که محور اصلی آن، تقویت و توسعه شهرهای کوچک و میانی است (قدیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴)، برای اولین بار در مطالعات طرح آمایش سرزمین ایران (ستیران) در سال ۱۳۵۶ مورد توجه قرار گرفت (شوهانی و کاکایی، ۱۳۹۹: ۷۸۱). اغلب سیاستگذاران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای، بر نقش اساسی شهرهای کوچک به عنوان مراکز خدماتی منطقه‌ای در توسعه نواحی روستایی از طریق پیوندهای مستقیم تولید و نیز پیامدهای توزیع و رخنه به پایین تاکید می‌ورزند. به نظر آن‌ها، وجود شهرهای کوچک، پیش‌نیاز توسعه روستایی و منطقه‌ای هستند (مولائی هاشجین و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). با اطمینان می‌توان پذیرفت که شهرهای کوچک با زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری یک نظام منطقی سلسله‌مراتبی از حیث جمعیت و کارکرد موفق باشند. با تقویت و توسعه این شهرها، ظرفیت پذیرش جمعیت آن‌ها افزایش می‌یابد و به سبب قرار گرفتن بر سر راه مهاجرهای روستایی، جریان مهاجرتی را به سوی خود و دیگر نقاط کوچک شهری، هدایت می‌کنند. به هر حال راهبرد توسعه شهرهای کوچک با توجه به اهداف و کارکرد خود می‌تواند هدف‌های اساسی توسعه روستایی را از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب کسب و کار در محیط‌های روستایی، کاهش فاصله عملکردی بین شهرها از طریق ایجاد روستاها به عنوان مراکز فعال روستایی و جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به توسعه، محقق سازد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۸).

رضایت از محل زندگی خود، دومین عامل مهم در رضایت فرد از کل زندگی خویش است. مفهوم رضایتمندی که به عنوان تابعی از میزان خشنودی فرد و ارضای نیازهای جسمی و روانی فرد تعریف می‌شود، مفهومی از نظریه‌های انگیزش و نیازها در روان‌شناسی است که همه زمینه‌ها و ابعاد زندگی را در برمی‌گیرد (فرج‌پور باصر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۶). به صورت کلی، سنجش رضایتمندی به عنوان یکی از روش‌های کارآمد ارزیابی موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های شهری مطرح است و تحقیقات گسترده‌ای را با خود به همراه داشته، از یک‌طرف معیاری برای ارزیابی رضایتمندی از محله و واحدهای همسایگی و از طرف دیگر ابزاری برای سنجش این است که در حال حاضر کدام محیط سکونتی نیازها، انتظارات و آرزوهای ساکنان خود را برطرف می‌کند (قریبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۱). افراد زیادی به نظریه‌پردازی در این مفهوم پرداخته‌اند؛ گالگستر رضایتمندی را شکاف قابل مشاهده بین آمال و نیازهای ساکنان و واقعیت موجود بستر سکونتی آن‌ها تعریف می‌کند (Lotfi & Solaimani, 2009: 123). اندرسون (۲۰۰۵) رضایتمندی را احساس خرسندی ناشی از برآورده شدن نیازهای انسانی در مراتب مختلف می‌داند. فرزیدی و همکاران (۱۴۰۱) رضایتمندی را ایجاد حالت شادمانی، خشنودی و مطلوبیتی می‌دانند که در نتیجه تامین نیازها و برآورده کردن تقاضاها و احتیاجات مراجعه‌کننده توسط ارائه‌کننده خدمت در مراجعه‌کنندگان ایجاد می‌شود. با توجه به تعاریف صورت گرفته، مطالعات حوزه رضایتمندی بر دو مفهوم شاخص‌های عینی و ذهنی تکیه دارند، بنابراین یکی از مشخصات اصلی و بنیادی آن، چندبعدی بودن آن است. شاخص‌های عینی، محیط زندگی و کار را تشریح می‌کند، شاخص‌های ذهنی راه‌هایی که مردم شرایط اطرافشان را درک و ارزیابی می‌کنند، تشریح می‌نماید. به‌طور کلی شاخص‌های ذهنی برای اندازه‌گیری رفاه شاخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد و

۱. Penetration down: شهرهای کوچک در سلسله‌مرتب شهری، نقش حامل اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی بین شهرهای منطقه‌ای و نواحی روستایی را دارند. به همین خاطر می‌توانند در گسترش و انتشار توسعه و همچنین جابجایی خدمات موردنیاز به نواحی تحت نفوذ خود نقش موثر و مهمی ایفا کنند؛ چراکه این سکونتگاه‌ها انتهای زنجیره شهری هستند و در اتصال به نواحی روستایی و مناطق اطراف که عموماً نیز عقب مانده‌اند، هستند. به همین روی از اهمیت بالایی در انتقال توسعه به این نواحی و ایجاد تعادل و توازن و متعاقب آن، جلوگیری از مهاجرت‌های روستا-شهری دارند.

1. Rural-Urban
2. Misra
3. Urban Functions in Rural Development: UFRD
4. Douglass

شاخص‌های عینی برای مقایسه مکان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به شاخص‌های ذهنی، رفاه شخصی براساس رضایتمندی هدف است، درحالی که شاخص‌های عینی، کیفیت زندگی را با توجه به قابل زندگی بودن آن نشان می‌دهد (Das, 2008: 298).

رضایتمندی از زندگی زمینه‌ساز رضایت از حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و برعکس کاهش رضایت از زندگی، آثار فراوانی در سطح خرد، میانه و کلان خواهد داشت. افزایش تنش‌ها و مشکلات رفتاری، ناامیدی، اضطراب، افسردگی و... از جمله آثار منفی نارضایتی از زندگی در سطح خرد است که در سطح میانه و کلان نیز پیامدهایی چون کاهش روحیه مشارکت‌جویی، تعاون، اعتمادکنندگی، عام‌گرایی و غیره خواهد داشت (فرج‌پور باصر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۲؛ محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۴). به همین‌روی توجه به مسئله رضایتمندی از زندگی موضوع مهم و قابل توجهی در زندگی شهری است. بسیاری از محققان رضایت را به عنوان یک شاخص کلی برای ارزیابی کیفیت محیط تعریف نموده‌اند (Adriaans, 2007). از این‌رو، رضایت سکونت‌ی یک معیار مفهومی در ارزیابی کیفیت درک شده از محیط زندگی در محله‌ها است که معمولاً توسط ساکنان محله‌ها ارزیابی می‌شود (شکری فیروزجاه و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴). ارزیابی ساکنان از میزان رضایت از زندگیشان را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر پروژه شهری مطرح ساخت. فهم رضایتمندی ساکنان می‌تواند برای تحلیل وضع موجود سکونت‌ی، تصمیمات آتی به منظور ارتقای سطح کیفی محدوده‌های سکونت‌ی افراد و جلوگیری افراد و جلوگیری از نواقص در دیگر مکان‌ها موثر واقع گردد (محمدی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۴). رضایتمندی سکونت‌ی را می‌توان رابطه میان افراد و محیط سکونت‌ی آن‌ها دانست. بنیان‌های نظری برای اصل استوار است که رضایتمندی سکونت‌ی تفاوت بین مسکن و محله موجود، واقعی و مطلوب خانواده‌ها را محاسبه می‌کند (Abdul Mohit et al., 2010: 19). بوناپتو و همکاران (۲۰۰۶) رضایت سکونت‌گاهی را به عنوان لذت و رضایت ساکنان در مکان‌های مسکونی خود تعریف می‌کنند. در این ارتباط مولفه‌های مرتبط با رضایت سکونت‌ی را شامل ادراک، علاقه و رفتار می‌دانند (Bonaiuto et al., 2006). اوگو رضایتمندی سکونت‌ی را درجه رضایت فرد از وضعیت سکونت‌ی کنونی فرد می‌داند و آن را روشی غیراقتصادی و اصولی در جهت ارزیابی کیفیت مسکن می‌داند (Teck-hong, 2012: 109). سیزر رضایت از محیط را ناظر بر ارزیابی ذهن فرد از کیفیت رابطه‌ای می‌داند که میان دو یا چند عامل در محیط مادی و ارزشی او برقرار می‌شود. به عبارت دیگر رضایت محیطی یعنی احساس خوشحالی و خوشنودی از فضاء، فعالیت‌ها و ارزش‌هایی که فرد را احاطه کرده است (عظیمی مهرورز و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۷۰). یزدانی و همکاران (۱۳۹۸) رضایتمندی سکونت‌ی را معادل میزان رضایت درک و تجربه شده فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونت‌ی فعلی خود محسوب می‌کنند. در یک جمع‌بندی کلی از تعارف ذکر شده، مطالعات تجربی در زمینه رضایتمندی سکونت‌ی، غالباً دارای دو رویکرد مشخص هستند؛ در بسیاری از تحقیقات، رضایتمندی سکونت‌ی را به عنوان معیاری برای سنجش کیفیت زندگی قلمداد می‌کنند، از سوی دیگر افرادی همچون اسپیر (۱۹۸۲) و نیومن و دانکان (۱۹۷۹)، رضایتمندی سکونت‌ی را نه به عنوان یک معیار، بلکه به‌عنوان فاکتوری برای پیش‌بینی رفتار بکار بردند؛ با این روش، پایین بودن رضایتمندی سکونت‌ی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهایی مثل جابه‌جایی مسکن، یا تلاش برای بهبود وضع مسکن در تطابق با نیازهای مطرح شده باشد (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

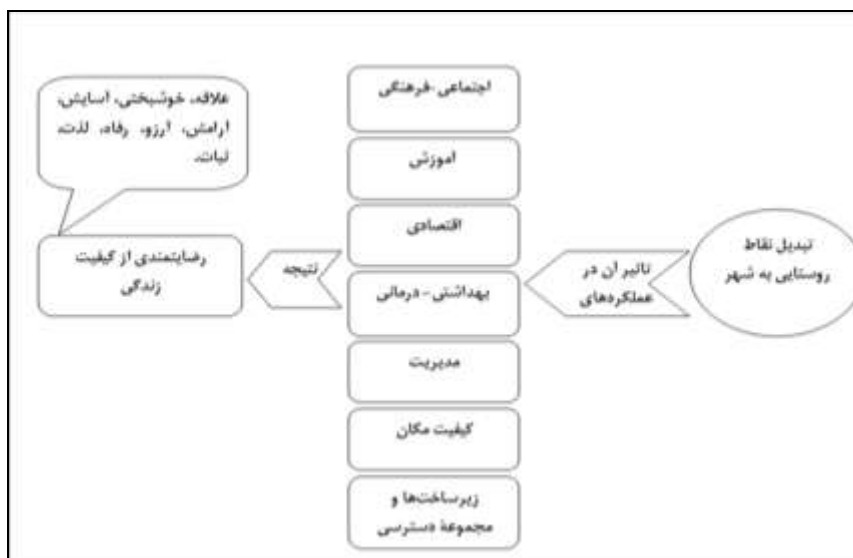
رابطه میان محیط مسکونی و ساکنان، رابطه‌ای دوسویه است و محیط مسکونی نقش موثری بر تامین رضایت آنان دارد. از سویی دیگر، این رضایتمندی منجر به افزایش کیفیت محیطی و تحقق آرمان‌های شهری می‌شود (Noriza et al., 2010: 3). از دیدگاه پژوهشگران مختلف، رضایتمندی به عنوان یک معیار عام برای سنجش کیفیت محیط مطرح شده است، اما اندازه‌گیری میزان رضایت از سکونتگاه پیچیده است و به عوامل بسیاری بستگی دارد. با بررسی و مرور ادبیات مربوط به میزان رضایت از محیط سکونت‌ی، مشخص شده که درک میزان رضایت از سوی هر شخص و در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی متفاوت است. اضافه کردن ویژگی‌های شخصی به تجزیه و تحلیل‌ها، قدرت پیش‌بینی را بالاتر می‌برد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵). از جمله ویژگی‌های فردی موثر بر رضایت می‌توان به عوامل جمعیتی، شخصیتی، ارزش‌ها و انتظارها اشاره کرد (همان). همچنین رضایتمندی سکونت‌گاهی به مقدار زیادی به کیفیت زیرساخت‌ها و مدیریت مناسب آن‌ها بستگی دارد. تسهیلات عمومی مانند بهداشت، فاضلاب، زهکشی، تامین آب آشامیدنی، دفع زباله، برق، گاز و سوخت برای پخت و پز زیرساخت‌های فیزیکی مهم و لازم برای حفظ کیفیت محیط سکونت‌گاهی هستند (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۵). به صورت کلی، بیش‌ترین رضایتمندی سکونت‌ی زمانی حاصل می‌شود که خانوارها بیش‌ترین رضایت را از حمایت اجتماع به‌ویژه شرایط محله (شهر)

خود داشته باشند (Addo, 2016: 1). شهری که بستر زیست بشر می‌باشد و نقش اساسی در ایجاد رضایتمندی داشته و در واقع شکل دهنده سبک زندگی انسان و تعیین کننده کیفیت زندگی شهروندان است (Smith & Levermore, 2008: 59).

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی و تبیین تبدیل نقاط روستایی به شهر و تاثیر آن بر رضایتمندی ساکنان است، در ادامه به بررسی مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته در این موضوع پرداخته شده است؛ مهاجرانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تاثیر راهبرد تبدیل روستا به شهر بر سبک زندگی افراد در روستاهای نشتیفان، سلامی و جنگل در استان خراسان رضوی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد در شهرهای نشتیفان و سلامی بیش‌ترین تغییر سبک زندگی متاثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل تحت تاثیر عوامل اقتصادی بوده است. اکبریان رونیزی (۱۳۹۷) در پژوهشی رضایتمندی شهروندان را از کیفیت زندگی در شهر زرقان بررسی کرد. براساس نتایج این پژوهش، رضایتمندی از کیفیت محیط سکونت در این شهر بالاتر از حد متوسط است و در میان مولفه‌های مورد مطالعه، شهروندان بیش‌ترین رضایت را از مولفه‌های خدمات عمومی و ویژگی‌های اجتماعی محیط دارند. پاشازاده و جلالیان (۱۳۹۷) در پژوهشی به سنجش رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی در شهر گرمی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد کیفیت زندگی در شهر گرمی وضعیت مناسبی ندارد و میزان رضایت ساکنان از شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش کمتر از میانه (میانه نظری = ۳) است. فراهانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به اثرات تبدیل نقاط روستایی به شهر بر کیفیت زندگی شهروندان در شهر بلبان‌آباد در شهرستان دهگلان پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ارتقای روستای بلبان‌آباد به شهر در ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تا حدودی موفق بوده و توانسته است رضایت ساکنان را در پی داشته باشد. دربان‌آستانه و محمودی (۱۳۹۵) در پژوهشی به ارزیابی کیفیت زندگی در روستا- شهر جدید بانوره پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که تبدیل روستا به شهر دارای مزایای متعددی از جمله در ابعاد اقتصادی، ارائه برخی خدمات اجتماعی و کالبدی برای ساکنان است. با اینحال حجم گسترده‌ای از پیامدهای منفی نیز به ساکنان تحمیل شده و با توجه به توقعات بالای ساکنان، به اعتقاد آن‌ها، در مجموع تبدیل روستا به شهر رضایت آن‌ها را جلب نکرده است. محمدی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی کیفیت زندگی ساکنان را در روستا شهر اصلاندوز بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساکنان از کیفیت زندگی خود بعد از ارتقای سکونتگاه به شهر رضایت نسبی دارند. عسکری (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی نقش ارتقای روستا به شهر و تاثیر آن در کیفیت زندگی ساکنین شهر سهرورد پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تفاوت از حد مطلوبیت عددی بعد از تبدیل شدن به شهر در همه موارد به غیر از مولفه‌های اجتماعی دارای جهت مثبت است. همچنین در بین مولفه‌های مورد بررسی در پژوهش، ویژگی‌های بعد کالبدی و مولفه‌های اجتماعی به ترتیب دارای بیش‌ترین و کم‌ترین میزان تغییرات نسبت به دوره قبل از ارتقا به شهر هستند. مولایی هاشجین و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نقش ارتقای سکونتگاه‌های روستایی به شهر در کیفیت زندگی ساکنان شهرهای بُردخون و بَنک در استان بوشهر پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد سیاست مذکور توانسته است موجب بهبود چشمگیر در کیفیت زندگی ساکنان هر دو شهر شود. کریمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت در شهرستان سياهکل از بخش دیلمان پرداختند. یافته‌ها نشان داد با وجود عدم توفیق کلی سیاست تبدیل نقاط روستایی به شهر در نگاه پاسخگویان، بین نگرش ساکنان منطقه مورد مطالعه در زمینه رضایت از این سیاست بر حسب محل سکونت (شهر یا روستاهای پسرکانه) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بیش‌ترین تاثیر این سیاست در ابعاد مورد بررسی، مربوط به ابعاد اجتماعی- فرهنگی و پس از آن کالبدی- زیست‌محیطی و در انتها ابعاد اقتصادی بوده است. مرشدورف و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به مدلسازی کیفیت زندگی شهری با استفاده از رویکرد جغرافیایی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که مولفه‌های آموزش و درآمد از اهمیت بالاتری نسبت به باقی مولفه‌ها برخوردارند. کارتا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان کیفیت زندگی شهری و روستایی؛ نتایج اولیه یک نظرسنجی در ایتالیا به این نتیجه رسیدند که کیفیت زندگی در هر دو منطقه شهری و روستایی با افزایش سن کاهش می‌یابد. همچنین جوانان در نواحی شهری و افراد مسن در مناطق روستایی دارای کیفیت زندگی بالایی هستند.

از وجوه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های اشاره شده (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ دربان‌آستانه و محمودی، ۱۳۹۵) که باعث توجه به آن می‌شود، استفاده از منابع متعدد و به روز برای جمع‌آوری شاخص‌های مدنظر و به کارگیری شاخص‌های گسترده و متعدد که با توجه به نیاز شهرهای مورد مطالعه پژوهش جمع‌آوری و تدوین شده و همچنین تدوین منسجم چارچوب تئوری پژوهش اشاره کرد. از دیگر تفاوت‌های پژوهش حاضر با اغلب پژوهش‌های اشاره شده (مولایی هاشجین و همکاران، ۱۳۹۳) در موضوع حاضر، می‌توان به تاکید بیش‌تر بر بحث‌های تحلیلی و همچنین تفاوت آزمون‌گیری پژوهش با دیگر پژوهش‌ها به خاطر

ماهیت ناپارامتریک بودن داده‌ها اشاره کرد. به همین‌روى پژوهش حاضر پژوهشى نو است که با ترکیبی از روش‌های آماری و تحلیلی و با به‌کارگیری آزمون‌های ناپارامتریک به بررسی موضوع مهم و کاربردی رضایتمندی سکونتى در روستا- شهرها و بعد از تبدیل آن‌ها به شهر پرداخته و به دنبال بررسی میزان رضایتمندی ساکنان از این اقدام است. از دیگر موارد مورد اشاره در اهمیت پژوهش حاضر، توجه به این نکته است که تاکنون نه تنها در موضوع خاص رضایتمندی سکونتى و تبدیل سکونتگاه‌هایی روستایی به شهر، بلکه در دیگر زمینه‌های مرتبط نیز در محدوده‌های مورد مطالعه پژوهشى صورت نگرفته است. لذا این مطالعه می‌تواند اطلاعات مفیدی را در زمینه‌های مذکور به منظور بهبود زندگی ساکنان و رضایتمندی سکونتى فراهم نماید.



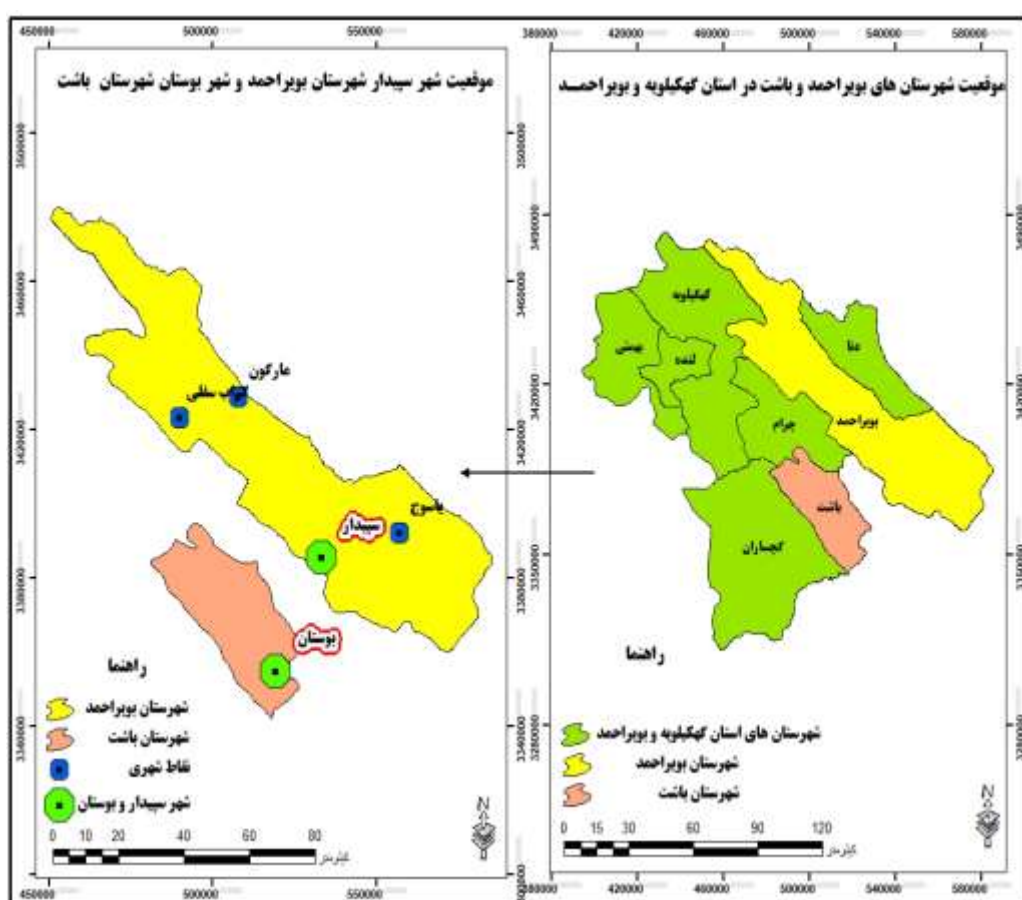
شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها با توجه به هدف پژوهش-بررسی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی که به شهر ارتقاء یافته‌اند-اسنادی-پیمایشی است. بدین صورت که برای تدوین مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایر اطلاعات در دسترس و در روش میدانی نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر سرپرستان خانوار دو شهر بوستان و سپیدار است که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد جمعیت آن‌ها به ترتیب ۲۶۵ و ۳۸۳ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حجم نمونه با توجه به جمعیت جامعه آماری از طریق فرمول کوکران ۲۷۰ نمونه برآورد شد. بدین صورت که ۱۵۰ پرسشنامه در شهر سپیدار و ۱۲۰ پرسشنامه در شهر بوستان از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده جمع‌آوری و تکمیل شد. به این صورت که حجم کوچکی از جامعه آماری انتخاب و از طریق مطالعه بر روی این حجم مشخص، مطالعات به جامعه آماری تعمیم داده شد. روایی پرسشنامه به صورت روایی صوری و با استفاده از نظر اساتید، متخصصان و صاحب‌نظران شهری انجام پذیرفت. همچنین برای محاسبه پایایی آن نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. میانگین به دست آمده برای مجموع گویه‌ها برابر با ۰/۷۹ است که مورد تایید بوده و نشان دهنده همبستگی درونی گویه‌ها برای سنجش متغیرهای موجود است. به منظور بررسی میزان رضایتمندی از زندگی از ۵۷ گویه در زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، آموزش، اقتصاد، مدیریت، کیفیت مکان، اقتصادی و زیرساخت‌ها و مجموعه دسترسی استفاده شد. داده‌های حاصل از پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ بدین صورت که برای تحلیل‌های توصیفی پژوهش از آمارهای توصیفی همچون میانگین، واریانس، انحراف معیار و غیره و همچنین به‌منظور بررسی آمار استنباطی نیز از آزمون‌های کلموگروف اسمیرنوف برای مقایسه میزان رضایت از زندگی در دو شهر، آزمون فریدمن برای بررسی اهمیت هر کدام از مولفه‌ها در دو شهر و رتبه‌بندی آن‌ها و رگرسیون ترتیبی نیز به‌منظور بررسی تأثیر هر یک از مولفه‌های پژوهش بر میزان رضایت از زندگی در دو شهر استفاده شد.

## قلمرو جغرافیایی پژوهش

دو شهر بوستان و سپیدار، شهرهای مورد مطالعه در این پژوهش هستند. شهر سپیدار مرکز بخش سپیدار و یکی از شهرهای تازه تاسیس استان است که در سال ۱۴۰۰ به شهر ارتقاء یافته است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۱۸۰۵ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). وجود دشتی حاصلخیز و زمین‌های فراوان که قابلیت کشت دارند، باعث شده است که فعالیت اقتصادی اکثر ساکنین این شهر کشاورزی از جمله باغداری و کشت صیفی‌جات باشد (فلاحی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۶۷). دیگر شهر مورد مطالعه در پژوهش حاضر شهر بوستان است. شهر بوستان از توابع شهرستان باشت در استان کهگیلویه و بویراحمد است که در سال ۱۳۹۷ به شهر ارتقاء یافته است. براساس آمار، جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۲۴۸ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). به‌خاطر وجود زمین‌های حاصلخیز و آب فراوان و همچنین شرایط ارتباطی مطلوب، منبع درآمد و فعالیت اصلی مردم این شهر، عموماً بر پایه فعالیت‌های باغداری (لیمو ترش و پرتقال) و همچنین فعالیت‌های خدماتی (کارگاه‌های تولیدی، خرید و فروش و...) و کشاورزی (کشت گندم، صیفی‌جات و ذرت) استوار است (جهاد کشاورزی شهرستان باشت، ۱۳۹۹).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی محدوده‌های مورد مطالعه

## یافته‌ها و بحث

### ارزیابی و تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی

به‌منظور تعیین میزان رضایت ساکنان دو شهر از زندگی خود، به بررسی و مقایسه رضایت آن‌ها از مولفه‌های بررسی شده بعد از تبدیل روستا به شهر پرداخته شد. نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد ساکنان شهر سپیدار از وضعیت اجتماعی- فرهنگی شهر خود بعد از ارتقاء رضایت پایینی دارند. با توجه به نتایج، تنها ۱۲/۱ درصد از ساکنان رضایت نسبی از اقدامات صورت گرفته در این بعد داشتند، و باقی ساکنان از اقدامات صورت گرفته ناراضی بودند. در شهر بوستان شرایط متفاوت است. به گونه‌ای که با توجه به نتایج،



۵۰/۶ درصد از ساکنان رضایت پایین و بسیار پایین و ۲۴/۲ درصد نیز رضایت نسبی از وضعیت این بعد داشته‌اند، در حالی که ۲۵/۳ درصد از ساکنان اظهار کرده‌اند از تغییرات صورت گرفته بعد از ارتقای سکونتگاه رضایت زیاد و خیلی زیادی دارند. این میزان تفاوت در بعد آموزش نیز مشهود است. به طوری که ۳۸/۶ درصد از ساکنان شهر سپیدار رضایت خیلی کم، ۲۴/۷ درصد رضایت کم و ۲۳/۹ درصد نیز رضایتی در سطح متوسط از این بعد داشته‌اند و تنها ۱۲/۸ درصد از ساکنان بیان داشته‌اند که از وضعیت این بعد رضایت دارند. در حالی که در شهر بوستان میزان ناراضیاتی ۱۹/۷ درصد است و ۳۲/۱ درصد نیز میزان رضایت خود را در سطح متوسط عنوان کرده‌اند. از سوی دیگر ۴۸/۱ درصد از ساکنان نیز اظهار کرده‌اند از تغییرات صورت گرفته در این بعد رضایت زیاد و خیلی زیادی دارند.

میزان رضایت از بعد اقتصادی در هر دو شهر وضعیت مناسبی ندارد. با این وجود، آمارهای توصیفی نشان می‌دهد شهر بوستان نسبت به شهر سپیدار وضعیت مناسب‌تری دارد. میزان رضایت از بعد اقتصادی در شهر بوستان ۱۰ درصد و میانگین آن نیز ۲/۳۳ است، در حالی که در شهر سپیدار هیچ کدام از ساکنان از وضعیت موجود این بعد در شهر خود اظهار رضایت نکرده‌اند و قریب بر ۸۳/۴ درصد از آن‌ها از وضعیت موجود ناراضی بودند. قرارگیری شهر بوستان بر شریان اصلی ارتباطی درون استانی، وجود و رونق مشاغل فراوان در این شهر تحت تاثیر وجود این جاده مهم ارتباطی و همچنین وجود شغل‌های آزاد فراوان به خصوص به خاطر وجود باغات مرکبات این شهر از دلایل بهبود نسبی اقتصاد در این شهر است. بررسی دو بعد بهداشت و درمان و مدیریت در شهر سپیدار نشان می‌دهد ساکنان به ترتیب میزان ناراضیاتی ۷۲/۵ و ۷۷/۸ درصدی از دو بعد مذکور دارند. در حالی که تنها ۵/۵ درصد از ساکنان اظهار کرده‌اند از تغییرات صورت گرفته در زمینه بهداشت و درمان بعد از ارتقای سکونتگاه به شهر رضایت دارند و هیچ کدام از آن‌ها از عملکرد مدیریتی شهر و تغییرات صورت گرفته در این بعد رضایتی نداشته‌اند. از دلایل ناراضیاتی شهروندان در زمینه بهداشت و درمان می‌توان به نبود مراکز بهداشتی-درمانی مناسب، نبود پزشک عمومی و متخصص در شهر و همچنین فاصله نسبی با شهر مجاور که شهر یاسوج است اشاره کرد، مسئله‌ای که زمینه‌ساز ناراضیاتی ساکنان این شهر شده است. در حالی که یافته‌ها نشان می‌دهد میزان رضایت از بعد بهداشت و درمان در شهر بوستان وضعیت مناسبی دارد. حدود ۳۷/۱ درصد از ساکنان تغییرات صورت گرفته را راضی‌کننده دانسته‌اند، در حالی که ۲۲/۲ درصد از آن‌ها از وضعیت موجود ناراضی بودند. از دلایل بهبود رضایتمندی ساکنان می‌توان به اقدامات مطلوب صورت گرفته در زمینه بهبود زیرساخت‌های درمانی-بهداشتی، دسترسی مطلوب‌تر به داروخانه و پزشک عمومی، بهبود شاخص‌های عمومی بهداشت و درمان از جمله؛ سرانه پزشک، آزمایشگاه، شاغلان حوزه بهداشت و درمان، پزشک عمومی، درمانگاه، آزمایشگاه، مرکز اورژانس و غیره اشاره کرد. در مورد وضعیت بعد مدیریت نتایج نشان می‌دهد میزان رضایت از این بعد وضعیت مناسبی ندارد. به گونه‌ای که ۸/۶ درصد از ساکنان رضایت خیلی کم، ۳۵/۸ درصد رضایت کم و تنها ۱۲/۳ درصد رضایت زیادی از تغییرات صورت گرفته در بعد داشتند. میانگین کلی این بعد با میزان ۲/۵۹ نسبت به شهر سپیدار مناسب‌تر است ولی در مجموع دارای فاصله از سطح متوسط مفروض (عدد ۳) است. بررسی بعد کیفیت مکان نشان دهنده وضعیت نامطلوب این بعد در شهر سپیدار و وضعیت مطلوب آن در شهر بوستان است. به گونه‌ای که میزان ناراضیاتی در شهر سپیدار ۴۴/۵ درصد است و تنها ۴/۴ درصد از ساکنان رضایت زیاد و خیلی زیادی از این بعد داشته‌اند. در حالی که در شهر بوستان ۳۶/۹ درصد از ساکنان از تغییرات صورت گرفته در این بعد رضایت زیاد و خیلی زیادی داشته‌اند. از دیگر ابعاد مورد بررسی در این پژوهش، بعد زیرساخت‌ها و دسترسی است. تحلیل این بعد نشان می‌دهد با وجود ناراضیاتی موجود از تغییرات صورت گرفته، ساکنان شهر بوستان با میانگین رضایت ۲/۶۵، رضایت نسبی بسیار بالاتری از شهر سپیدار با میانگین ۱/۴۴ دارند. نتایج کلی بررسی وضعیت کیفیت زندگی در دو شهر مورد مطالعه و در برهه زمانی بعد از ارتقای سکونتگاه به شهر حاکی از آن است که تغییرات صورت گرفته در شهر بوستان موجب رضایت بیشتر ساکنان شده است (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل شاخص‌های رضایتمندی بعد از ارتقای سکونتگاه

گروه‌ها	ابعاد	درصد فروانی				انحراف معیار	وارianس
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد		
سپیدار	اجتماعی-فرهنگی	۵۹/۳	۲۸/۶	۱۲/۱	-	۱/۵۳	۰/۴۹۶
	آموزش	۲۸/۶	۲۴/۷	۲۳/۹	۱۱/۷	۲/۱۲	۱/۱۸۱
	اقتصادی	۶۹/۳	۲۴/۲	۶/۶	-	۱/۳۷	۰/۳۷۰
	بهداشتی	۳۴/۷	۳۷/۸	۲۱/۹	۴/۷	۱/۹۹	۰/۸۳۳
	مدیریت	۵۱/۱	۲۶/۷	۲۲/۲	-	۱/۷۱	۰/۹۱۳
	کیفیت مکان	۲۷/۸	۱۶/۷	۴۱/۱	۱۱/۱	۲/۴۵	۰/۶۵۷
	زیرساخت‌ها و دسترسی	۷۶/۹	۹/۹	۵/۵	۷/۷	۱/۴۴	۱/۲۴۰
	میانگین کل					۱/۸۰	۰/۸۲۷
	اجتماعی-فرهنگی	۱۷/۶	۳۳/۰	۲۴/۲	۱۳/۲	۲/۶۹	۱/۵۷۱
	آموزش	۷/۴	۱۲/۳	۳۲/۱	۳۷/۰	۳/۳۲	۱/۱۴۶
بوستان	اقتصادی	۲۱/۷	۳۴/۲	۳۴/۲	۹/۲	۲/۳۳	۰/۸۹۱
	بهداشتی	۶/۲	۱۶/۰	۴۰/۷	۳۰/۹	۳/۱۵	۰/۹۵۳
	مدیریت	۸/۶	۳۵/۸	۴۳/۲	۱۲/۳	۲/۵۹	۰/۶۶۹
	کیفیت مکان	۵/۶	۱۷/۸	۳۷/۸	۳۲/۲	۳/۱۷	۰/۹۶۲
	زیرساخت‌ها و دسترسی	۱۸/۱	۲۶/۱	۳۳/۶	۱۶/۹	۲/۶۵	۱/۲۴۷
	میانگین کل					۲/۷۰	۰/۱۱۷

## یافته‌های تحلیلی

## ارزیابی میزان رضایت از زندگی

برای مقایسه تفاوت میزان رضایت از کیفیت زندگی در دو شهر مورد مطالعه، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف دو نمونه‌ای استفاده شد (جدول ۲). یافته‌ها نشان دهنده تفاوت دو شهر از نظر میزان رضایت از زندگی است. به طوری که با توجه به مقدار آماره کولموگروف اسمیرنوف (۴/۲۰۳) که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، می‌توان نتیجه گرفت میزان رضایت از زندگی در دو شهر بوستان و سپیدار متفاوت است. براساس نتایج، میزان رضایت از زندگی در شهر بوستان بیش‌تر از شهر سپیدار است (با توجه به مثبت بودن مقدار  $D$ : ۰/۰۰۰). از دلایل ناراضی‌تری در شهر سپیدار می‌توان به ضعف در عملکرد مدیریت کلان در شهرستان بویراحمد در زمینه پیگیری و اقدامات مناسب به منظور بهبود مهم‌ترین راه ارتباطی این شهرستان که از شهر سپیدار می‌گذرد و ارتباط دهنده دو شهرستان مهم استان است (دو شهرستان بویراحمد و کهگیلویه) اشاره کرد، که به علت ضعف‌های موجود، سالیانه صدمات جانی و مالی زیادی به بار می‌آورد، همچنین از دیگر دلایل ناراضی‌تری در این شهر می‌توان به عدم برنامه‌ریزی در زمینه استفاده از این راه ارتباطی مهم و ظرفیت‌های متعاقب آن، نبود هیچ‌گونه ایستگاه سوخت‌رسان در شهر و فاصله زیاد و دسترسی نامناسب به ایستگاه‌های سوخت‌رسان برون‌شهری، ضعف در کمیت و کیفیت دسترسی به امکانات آموزشی، عدم تغییرات مطلوب در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از جمله اشتغال و درآمد ساکنان، همچنین عدم توجه مطلوب به بحث جنسیت در اشتغال ساکنان و... اشاره کرد. در حالی که در شهر بوستان موقعیت مناسب قرارگیری بر روی شریان اصلی ارتباطی جنوب و جنوب‌غرب کشور و همچنین استفاده بهینه از این مهم در زمینه‌های گوناگون اقتصادی همچون وجود کارگاه‌های فراوان تولیدی و استفاده از این ظرفیت، استفاده از ظرفیت باغات و کشاورزی و... توانسته است باعث تغییرات مثبت در نظر شهروندان و مطلوبیت کیفیت کلی زندگی در این شهر شود.

جدول ۲. نتایج ارزیابی میزان رضایت از زندگی در شهرهای بوستان و سپیدار

مطلق	مثبت	منفی
۰/۶۴۶	۰/۶۴۶	۰/۰۰۰
حد اکثر اختلاف		
آماره کولموگروف - اسمیرنوف Z		
سطح معنی‌داری (دوسویه)		
۴/۲۰۳	۰/۰۰۰	

با توجه به وجود تفاوت در میزان رضایت از زندگی در دو شهر بوستان و سپیدار، در این مرحله از پژوهش با توجه به اهمیت مولفه‌های پژوهش و میزان رضایت از آن‌ها در هر دو شهر، به رتبه‌بندی این مولفه‌ها و مقایسه میزان اهمیت هر کدام از آن‌ها در

دو شهر پرداخته شد. برای دستیابی به این هدف از آزمون فریدمن استفاده شد. با توجه به نتایج جدول (۳)، آماره کای اسکوتر برای هر دو شهر (۳۳۰/۴۲۲ و ۴۱۴/۱۸۱) در سطح خطای پایین‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار است که نشان می‌دهد بین میزان رضایت از مولفه‌های مورد بررسی تفاوت وجود دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن وضعیت رضایت سکونتگاهی دو شهر

گروه‌ها	تعداد	درجه آزادی	آماره کای اسکوتر	سطح معناداری (Sig)
سپیدار	۱۵۰	۶	۳۳۰/۴۲۲	۰/۰۰۰
بوستان	۱۲۰	۶	۴۱۴/۱۸۱	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج جدول (۴) و رتبه‌های به دست آمده، در شهر سپیدار، مولفه کیفیت مکان با میانگین رتبه ۵/۲۴ در بهترین شرایط قرار دارد و بعد از آن نیز مولفه‌های آموزش و مدیریت میزان رضایت بیش‌تری از سایر مولفه‌ها کسب کرده‌اند. در حالی که مولفه اقتصادی با میانگین رتبه ۳/۱۴ در بدترین شرایط رضایتی قرار دارد. در شهر بوستان نیز با توجه به میانگین‌های به دست آمده؛ سه مولفه آموزش، بهداشت و درمان و کیفیت مکان به ترتیب با میانگین رتبه ۴/۶۸، ۴/۴۶ و ۴/۴۶ در بهترین شرایط و مولفه اقتصادی نیز در بدترین شرایط رضایتی قرار دارند.

جدول ۴. اولویت‌بندی ابعاد رضایتمندی سکونتی از دیدگاه ساکنان

سپیدار			بوستان		
مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	اولویت‌بندی	مؤلفه‌ها	میانگین رتبه	اولویت‌بندی
اجتماعی- فرهنگی	۳/۷۶	پنجم	اجتماعی- فرهنگی	۳/۹۷	سوم
آموزش	۴/۲۸	دوم	آموزش	۴/۶۸	اول
اقتصادی	۳/۱۴	هفتم	اقتصادی	۳/۱۴	ششم
بهداشت و درمان	۴/۱۴	چهارم	بهداشت و درمان	۴/۴۶	دوم
مدیریت	۴/۱۶	سوم	مدیریت	۳/۷۶	چهارم
کیفیت مکان	۵/۲۴	اول	کیفیت مکان	۴/۴۶	دوم
دسترسی و زیرساخت‌ها	۳/۲۸	ششم	دسترسی و زیرساخت‌ها	۳/۵۳	پنجم

### سنجش مولفه‌های موثر بر رضایتمندی از زندگی

به منظور بررسی تاثیر هر یک از مولفه‌های پژوهش بر میزان رضایت از زندگی در دو شهر، از آزمون رگرسیون ترتیبی استفاده شد. با توجه به نتایج جدول (۵) و با توجه به اینکه مقدار کای اسکوتر برای هر دو شهر (۷۲/۲۴۵ و ۱۶۳/۲۳۵) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است، می‌توان نتیجه گرفت مدل نهایی توانسته است مدل صفر را منتفی کند. به عبارتی، براساس این نتایج، مدل رگرسیونی مدل مناسبی است و متغیرهای مستقل به خوبی می‌توانند تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کنند.

جدول ۵. نتایج آزمون نسبت احتمال مدل

مدل	لگاریتم درست‌نمایی	کای اسکوتر	درجه آزادی	معنی‌داری (Sig)
Intercept only	۱۷۰/۰۴۹			
سپیدار	۹۷/۸۰۳	۷۲/۲۴۵	۲۳	۰/۰۰۰
Final	۱۶۳/۲۳۵			
Intercept only				
بوستان	۰/۰۰۰	۱۶۳/۲۳۵	۲۵	۰/۰۰۰
Final				

در رگرسیون ترتیبی با توجه به اینکه محاسبه دقیق مقدار ضریب تعیین دشوار است، از آماره‌های ضریب تعیین پزودو (شامل سه ضریب تعیین کاکس و نل، نیجل کرک و مک نادن) استفاده می‌شود تا مشخص گردد متغیرهای مستقل (پارامترهای مورد سنجش تحقیق)، تا چه میزان از تغییرات متغیر وابسته (میزان رضایت از زندگی در هر دو شهر) را تعیین می‌کنند. جدول (۷) مقادیر آماره‌های ضریب پزودو را نشان می‌دهد. مقادیر این آماره‌ها بین ۰ و ۱ نوسان دارد؛ هرچقدر این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، بیانگر تاثیر زیاد متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته است و برعکس آن نیز صدق می‌کند؛ به گونه‌ای که پایین بودن این مقادیر نشان دهنده نقش ضعیف و کم متغیرها در این امر است. با توجه به نتایج به دست آمده (جدول ۶)، مقادیر هر سه آماره مربوط به

ضریب تعیین پزدو در شهر سپیدار با عدد ۱ فاصله دارند. به گونه‌ای که پارامترهای مورد سنجش به وسیله مدل توانسته‌اند ۵۵/۲، ۶۴/۵ و ۴۱/۵ درصد از واریانس میزان رضایت از زندگی را تبیین کنند. در حالی که در شهر بوستان و با توجه به نتایج، مقادیر هر سه آماره فاصله کمی با عدد ۱ داشته و توانسته‌اند به ترتیب ۸۷/۰، ۹۶/۴ و ۸۷/۶ درصد از واریانس مربوطه را تبیین کنند. به همین خاطر، میزان بسیار زیادی از واریانس پارامتر رضایت از زندگی توسط مدل مورد نظر تبیین شده و مقدار پایینی از آن تحت تاثیر دیگر پارامترهایی است که در مدل نیامده‌اند.

جدول ۶. مقادیر آماره‌های ضریب تعیین پزدو

بوستان	سپیدار	
۰/۸۷۰	۰/۵۵۲	Cox and snell
۰/۹۶۴	۰/۶۴۵	Nagelkerke
۰/۸۷۶	۰/۴۱۵	McFadden

جدول (۷) مهم‌ترین بخش تحلیل میزان تاثیر رگرسیونی هریک از متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته رضایت از زندگی در دو شهر موردنظر پژوهش است. با توجه به نتایج این جدول در شهر سپیدار تنها نتیجه تاثیر رگرسیونی سه مولفه اجتماعی، مدیریت و زیرساخت‌ها و دسترسی بر رضایتمندی از زندگی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. در حالی که این مقدار در شهر بوستان برای مولفه‌های آموزش، بهداشتی، اقتصادی، بهداشت و مدیریت در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است. با توجه به آماره ارزیابی (Estimate) می‌توان مشخص کرد که سهم هریک از متغیرهای مستقل در تغییرات رضایت از زندگی در دو شهر مورد مطالعه چقدر است. در شهر سپیدار با فرض ثابت ماندن تاثیر متغیر مدل، افزایش یک واحد در متغیرهای مستقل اجتماعی، آموزش، اقتصاد، بهداشت، مدیریت، کیفیت مکان و زیرساخت‌ها و مجموعه دسترسی به ترتیب با افزایش ۱۸/۵۸۵، ۰/۲۶۵، ۰/۰۱۲، ۰/۱۹۲، ۰/۷۸۶، ۰/۰۱۹ و ۳/۶۶۱ واحد در نسبت لگاریتم متغیر وابسته رضایت از زندگی همراه خواهد بود. این مقدار برای شهر بوستان، ۰/۱۷۲ برای مولفه اجتماعی، ۲/۴۵۴ برای آموزش، ۲/۱۲۲ برای اقتصاد، ۱/۹۸۹ برای بهداشت، ۱/۶۸۷ برای مدیریت، ۰/۹۱۴ برای کیفیت مکان و ۰/۵۹۴ واحد برای زیرساخت‌ها و مجموعه دسترسی است. به عبارتی، احتمال رضایتمندی ساکنان دو شهر بوستان و سپیدار از زندگی به اندازه‌های بیان شده افزایش می‌یابد.

جدول ۷. نتایج ضرایب برآورده شده مدل رگرسیونی

95% Confidence Interval		Sig	Wald	Std. Error	Estimate	شاخص	
Upper Bound	Lower Bound						
-۱۵/۸۷۸	-۲۱/۱۰۵	۰/۰۰۰	۱۹۲/۲۷۲	۱/۳۳۴	-۱۸/۴۹۲	(کیفیت زندگی=۱)	آستانه
-۱۴/۴۵۱	-۱۹/۶۴۸	۰/۰۰۰	۱۶۵/۳۴۹	۱/۳۲۶	-۱۷/۰۵۰	(کیفیت زندگی=۲)	
-۱۷/۱۶۳	-۲۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۶۵۵/۹۴۲	۰/۷۲۶	۱۵/۵۸۵	اجتماعی	سپیدار
۱/۰۴۵	-۰/۵۱۶	۰/۵۰۶	۰/۴۴۲	۰/۳۹۸	۰/۲۶۵	آموزش	
۱/۰۰۴	-۱/۰۲۹	۰/۹۸۱	۰/۰۰۱	۰/۵۱۹	-۰/۰۱۲	اقتصاد	
۰/۹۵۶	-۰/۵۷۲	۰/۶۳۲	۰/۲۴۳	۰/۳۹۰	۰/۱۹۲	بهداشت	
-۰/۰۱۰	-۱/۵۶۲	۰/۰۴۷	۳/۹۳۷	۰/۳۹۶	-۰/۷۸۶	مدیریت	وضعیت
۱/۵۹۸	-۱/۶۳۷	۰/۹۸۱	۰/۰۰۱	۰/۸۲۵	-۰/۰۱۹	کیفیت مکان	
۶/۱۷۹	۱/۱۴۴	۰/۰۰۴	۸/۱۲۴	۱/۲۸۵	-۳/۶۶۱	زیرساخت‌ها	
-۲/۹۲۶	-۱۰/۶۷۶	۰/۰۰۱	۱۱/۸۳۲	۱/۹۷۷	-۶/۸۰۱	(کیفیت زندگی=۱)	آستانه
-۰/۷۹۳	-۷/۹۵۹	۰/۰۱۷	۵/۷۲۹	۱/۸۲۸	-۴/۳۷۶	(کیفیت زندگی=۲)	
۱/۴۵۲	-۵/۳۸۳	۰/۲۶۰	۱/۲۷۱	۱/۷۴۴	-۱/۹۶۶	(کیفیت زندگی=۳)	
۳/۴۰۸	-۳/۶۷۲	۰/۹۴۲	۰/۰۰۵	۱/۸۰۶	-۰/۱۳۲	(کیفیت زندگی=۴)	
۱/۱۸۱	-۱/۵۲۵	۰/۸۰۳	۰/۰۶۲	۰/۶۹۰	-۰/۱۷۲	اجتماعی	بوستان
۴/۴۵۱	۰/۴۵۸	۰/۰۱۶	۵/۸۰۵	۱/۰۱۹	۲/۴۵۴	آموزش	
۰/۰۰۷	-۴/۲۵۱	۰/۰۵۱	۴/۸۱۷	۱/۰۸۶	-۲/۱۲۲	اقتصاد	
-۰/۱۱۶	-۳/۸۶۱	۰/۰۳۷	۴/۳۳۳	۰/۹۵۵	-۱/۹۸۹	بهداشت	
-۰/۰۱۴	-۳/۳۵۹	۰/۰۴۸	۳/۹۰۶	۰/۸۵۳	-۱/۶۸۷	مدیریت	وضعیت
۱/۹۱۳	۰/۰۸۵	۰/۰۷۳	۳/۱۱۳	۰/۵۱۰	۰/۹۱۴	کیفیت مکان	
۰/۷۴۹	-۱/۹۳۷	۰/۳۸۶	۰/۷۵۲	۰/۶۸۵	-۰/۵۹۴	زیرساخت‌ها	

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تبدیل نقاط روستایی به شهر و نقش آن در بهبود رضایتمندی ساکنان محلی در دو شهر بوستان و سپیدار صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سیاست تبدیل نقاط روستایی به شهر تاثیر مطلوبی بر میزان رضایت ساکنان در شهر بوستان داشته است. در حالی که اجرای این سیاست در شهر سپیدار ناموفق بوده و ساکنان رضایت بسیار پایینی از وضعیت موجود سکونتگاه خود پس از ارتقاء دارند. بین دو سکونتگاه از نظر میزان رضایت از زندگی تفاوت وجود دارد و ساکنان در شهر بوستان رضایتمندی بیش‌تری دارند. زیرساخت‌های شهری و دسترسی ساکنان به مجموعه خدمات شهری از جمله عوامل مهمی است که علاوه بر تغییرات ظاهری و قابل مشاهده، نقش پررنگی در راحتی و آسایش شهروندان و میزان رضایت آن‌ها دارد. از شاخص‌های مهم در زمینه دسترسی، دسترسی به شبکه حمل‌ونقل درون و برون‌شهری و همچنین ایستگاه‌های سوخت‌رسان است که نقش مهمی در روند توسعه شبکه منطقه‌ای دارند. هرچند در شهرهای کوچک با توجه به وسعت کم شهر و کوتاه بودن مسیرها، دسترسی به سایر نواحی راحت‌تر است و به همین‌روی نیاز چندانی به شبکه حمل‌ونقل اتوبوس‌های درون‌شهری (اتوبوس واحد و بی‌آر تی) وجود ندارد، ولی تاکسی‌های خط واحد و همچنین تاکسی‌های آزاد نقش مهمی در دسترسی مطلوب شهروندان دارند. با توجه به اینکه شهر بوستان متصل به شریان ارتباطی اصلی و حیاتی جنوب و جنوب غرب کشور است، و فاصله زیادی با سکونتگاه‌های مهم اطراف (از جمله شهرهای باشت و گچساران) ندارد، به همین‌روی، ظرفیت بالایی برای گسترش حمل و نقل درون و برون‌شهری دارد و ساکنان نیز از شرایط موجود رضایت دارند. شهر سپیدار نیز از چنین اهمیتی برخوردار است، با توجه به قرارگیری در یکی از شاهراه‌های ارتباطی مهم استان و اتصال دو شهرستان بزرگ بویراحمند و کهگیلویه، ظرفیت ارتباطی بالایی دارد ولی ضعف در برنامه‌ریزی‌ها و نبود زیرساخت‌های ارتباطی مناسب با توجه به نوپا بودن این شهر، باعث شده است ساکنان رضایت پایینی داشته باشند. از دیگر عوامل جانبی موثر در حمل و نقل شهری و همچنین دسترسی‌های شهروندی، استانداردهای جاده‌ای و همچنین روشنایی‌های محیطی است. با توجه به اهمیت حمل‌ونقل و ارتباطات و شبکه جاده‌ای در رویکرد منطقه‌ای و با توجه به قرارگیری شهر سپیدار بر شاهراه ارتباطی مهم استان، ارتباط گسترده با شهرها، دهستان‌ها و روستاهای اطراف، در این زمینه اقدامات مطلوبی صورت نگرفته است. به‌گونه‌ای که طبق نظر ساکنان تنگ و باریک بودن جاده‌های درون‌شهری، عدم کیفیت مناسب آسفالت جاده‌ها و نیاز به ترمیم، مشکلات روشنایی به‌خصوص در برخی از کوچه‌های شهر و دیگر عوامل باعث صرف هزینه‌های زیاد (مالی و زمانی) برای شهروندان شده است. از دیگر مشکلات مورد اهمیت در شهر می‌توان به مشکلات موجود در زمینه دسترسی به ایستگاه‌های سوخت‌رسان و فاصله زیاد و دسترسی نامناسب به ایستگاه‌های سوخت‌رسان برون‌شهری اشاره کرد. به‌گونه‌ای که با وجود جمعیت بالای شهر و همچنین وجود ارتباطات گسترده با روستاها و شهرهای مجاور، هیچگونه ایستگاه سوخت‌رسانی در شهر وجود ندارد و دسترسی به ایستگاه‌های سوخت‌رسان شهرها و مناطق اطراف نیز نیازمند صرف زمان و همچنین هزینه مالی برای ساکنان است. در حالی که در شهر بوستان دسترسی‌ها مطلوب است؛ وجود ایستگاه‌های سوخت‌رسان، کیفیت آسفالت خیابان‌ها و عریض بودن و استاندارد بودن کوچه‌ها و غیره از جمله دلایل مطلوب بودن وضع موجود این شهر است. به صورت کلی و با توجه به نتایج پژوهش و عوامل ذکر شده، ساکنان شهر سپیدار از اقدامات صورت گرفته در زمینه‌های مختلف مورد بحث در پژوهش حاضر ناراضی بودند. از دیگر عوامل نارضایتی ساکنان می‌توان به عدم تغییرات مطلوب در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از جمله اشتغال و درآمد ساکنان (نبود کارخانه یا کارگاه تولیدی قابل اتکا در شهر که بتواند از بیکاری در آن بکاهد و از مهاجرت‌های کاری گسترده ساکنان جلوگیری کند، نبود و ضعف مدیریتی در زمینه اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی کارآمد و بهره‌ور برای استفاده درست از ظرفیت‌های اقتصادی شهر)، همچنین عدم توجه مطلوب به بحث جنسیت در اشتغال ساکنان، نبود سایت زباله و تأثیرات زیست‌محیطی متعاقب، دسترسی نامناسب به خدمات پزشکی و نبود پزشک عمومی و متخصص در شهر و فاصله زیاد تا شهر همجوار و غیره اشاره کرد. نتیجه این اتفاق، مهاجرت‌فرستی بالای شهر است؛ مقصد عمده مهاجرت‌ها شهر یاسوج است و غلبه مهاجرت‌ها نیز با نیروی جوان شهر است، که نشان از ضعف‌های ریشه‌ای در زمینه مدیریت شهری است. در حالی که در شهر بوستان شرایط متفاوت است و شرایط این سکونتگاه نسبت به گذشته بهبود یافته است. از جمله تغییرات مطلوب در این شهر می‌توان به بهبود نسبی دسترسی به خدمات برای این شهر و روستاهای همجوار به خاطر بهبود دسترسی به امکانات خدماتی از جمله فروشگاه‌های مواد غذایی، نانوايي و غیره، دسترسی بهتر به خدمات پزشکی، بهبود اشتغال و سایر عوامل موثر اشاره کرد.

براساس یافته‌ها، رضایت از مولفه‌های بررسی شده در دو شهر به تفکیک و در مقایسه با یکدیگر متفاوت است؛ به‌طوری که در شهر سپیدار مولفه‌های کیفیت مکان و اقتصادی و در شهر بوستان نیز مولفه‌های آموزش و اقتصادی به ترتیب در بهترین و

پایین‌ترین شرایط رضایتی از نظر ساکنان قرار دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شهر بوستان متغیرهای مستقل پژوهش تاثیر زیادی در تبیین متغیر وابسته رضایتمندی از زندگی دارند. در حالی که در شهر سپیدار این تاثیر ضعیف و کم است. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که در شهر سپیدار اقدام مطلوبی که بتواند رضایت ساکنان را از این اقدام در پی داشته باشد، صورت نگرفته است. در حالی که با توجه به نتایج ساکنان در شهر بوستان از تبدیل سکونتگاه خود به شهر و اقدامات صورت گرفته، رضایت نسبی دارند. به صورت کلی، در هر دو شهر مولفه اقتصادی دارای کم‌ترین تاثیر بر رضایت از زندگی ساکنان است. از آنجایی که یکی از اهداف مهم ارتقای سکونتگاه‌های روستایی به شهر، بهبود شرایط اشتغال در این سکونتگاه‌هاست و با توجه به ظرفیت بالایی که این دو سکونتگاه در این زمینه دارند، در این راستا، نیازمند چارچوب برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌گیری همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود هستند که توجه به نیازهای محلی و استفاده از توان گروه‌های اجتماعی سکونتگاه‌ها و مشارکت آن‌ها می‌تواند نتیجه موثری در این امر داشته باشد.

مقایسه نتایج حاصل از پژوهش حاضر با پژوهش‌های مرتبط بیانگر چند نکته است که نیازمند توجه می‌باشد؛ از نکات قابل توجه، وضعیت نامناسب شهر سپیدار در مولفه‌های مورد بررسی با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته است. به گونه‌ای که در شهر سپیدار، تغییرات ایجاد شده در هیچ‌کدام از مولفه‌های مورد بررسی نتوانسته است موجب رضایت ساکنان بعد از ارتقای سکونتگاه به شهر گردد. نتایج اشاره شده با نتایج پژوهش دربان آستانه و محمودی (۱۳۹۵)، علی زاده و همکاران (۱۳۹۲) و اسکندی و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه نارضایتی ساکنان همسو است. که نشان دهنده نیاز شهر سپیدار به برنامه‌ریزی ساختاری در زمینه مولفه‌های مورد بحث برای بهبود شرایط موجود و رضایت ساکنان است. همچنین نتایج پژوهش حاضر پژوهش رضوانی و همکاران (۱۳۸۸) در زمینه تفاوت میزان رضایت از زندگی در سکونتگاه‌ها بعد از ارتقای به شهر را تایید می‌کند.

در انتها بنابر بر یافته‌های پژوهش مجموعه پیشنهادی زیر برای بهبود وضعیت رضایتمندی در شهرهای مذکور ارائه می‌گردد؛ ایجاد بستری برای مشارکت مردم در برنامه‌های شهری و استفاده از نظرات آن‌ها که در کنار اینکه موجب آگاهی بهتر مدیریت شهری از مشکلات و کمبودهای موجود در شهر می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در بهبود عملکرد شهری و دستیابی به یک حکمروایی خوب شهری داشته باشد. با توجه به وجود راه‌های ارتباطی سراسری و ظرفیت‌های ترانزیتی دو شهر، ایجاد تسهیلات به‌منظور سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی می‌تواند نقش مهمی در بهبود اشتغال و رونق اقتصادی در این شهرها داشته باشد. توجه به ترمیم و بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و گسترش هرچه بهتر شبکه‌های ارتباطی استاندارد و بهینه به‌منظور تسریع در ارتباط با شهرها و روستاهای همجوار توجه به نیازهای جمعیت جوان شهر و ایجاد تسهیلات و بسترهای مناسب فراغتی از جمله سالن‌های چندمنظوره، پارک و تجهیز آن به وسایل بازی کودک و وسایل ورزشی مجهز و... که نقش مهمی در جهت تامین اوقات فراغت شهروندان و به خصوص نسل جوان دارد فراهم آوردن زمینه فعالیت‌های غیرکشاورزی (از جمله فعالیت‌های مختلف عمرانی و کالبدی) که می‌تواند نقش مهمی در جذب هرچه بهتر نیروی کار جوان شهرها و سرمایه‌گذاری‌های بیش‌تر برای استفاده از ظرفیت‌های موجود این شهرها داشته و متعاقب آن، در افزایش درآمد ساکنان نیز نقش داشته باشد با توجه به مرکزیت شهر سپیدار نسبت به روستاهای زیادی که در حوزه نفوذ آن قرار دارند (شهر سپیدار فاصله زیادی با شهرهای مجاور دارد به‌گونه‌ای که شهر همجوار آن یعنی شهر یاسوج در فاصله ۴۰ دقیقه‌ای این شهر قرار دارد)، و با توجه به نیازمندی‌های این شهر در حوزه بهداشت و درمان و نبود پزشک عمومی و متخصص، انجام اقدامات لازم برای رفع مشکل حاضر می‌تواند در دسترسی مطلوب و بهینه ساکنان و جلوگیری از خطرات احتمالی برای سلامت ساکنان به‌خاطر دسترسی نامناسب نقش مهمی داشته و موجب رضایت ساکنان شود. توسعه مراکز خدماتی مختلف از جمله مراکز عمده‌فروشی، با توجه به نقش مرکزیت خدمات‌رسانی این شهرها نسبت به روستاهای اطراف و گستردگی حوزه نفوذ خدمات‌رسانی که دارند. اتخاذ سیاست‌های مناسب برای توسعه فعالیت‌های باغداری و کشاورزی، بهبود خدمات کشاورزی، تعاونی‌ها و بازار محصولات تولیدی با توجه به وجود ظرفیت مذکور در هر دو شهر.

۱. رشد شهری و گسترش ارتباطات باعث روند روبه‌رشد حمل‌ونقل درون و برون‌شهری شده است که امروزه نقش چشمگیری در بهبود اقتصادی سکونتگاه‌ها و به تبع آن رشد اقتصادی کشورها دارد. به همین‌روی قرارگیری بر روی جاده‌های ارتباطی درون‌استانی و جاده‌های سراسری و ترانزیتی می‌تواند یکی از امتیازهای بزرگ در بهبود اقتصادی هر سکونتگاه قلمداد شود. به همین‌روی شهر بوستان دارای موقعیت ارتباطی برون‌استانی با توجه به قرارگیری بر روی جاده سراسری جنوب و جنوب غرب کشور و شهر سپیدار نیز دارای موقعیت مهم درون‌استانی با توجه به اتصال دو شهرستان مهم استان کهگیلویه و بویراحمد یعنی شهرستان بویراحمد و شهرستان کهگیلویه است که استفاده از این امتیاز بزرگ در کنار سایر ظرفیت‌های مهم انسانی و طبیعی این شهرها می‌تواند در بهبود و رشد اقتصادی آن‌ها موثر واقع گردد.

## تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

## منابع

- اسکندری، آذر و نوری‌پور، مهدی (۱۳۹۷). ارتقاء روستا به شهر و تاثیر آن بر شاخص‌های توسعه اجتماعی در منطقه سیستان. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۶(۴)، ۱۸۹-۱۶۵.
- اکبریان‌روینزی، سعیدرضا (۱۳۹۷). ارزیابی رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط سکونتی (مطالعه موردی: شهر زرقان). *نشریه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۱)، ۱۲۷-۱۱۳.
- ایزدی، حسن و نوذری، معراج (۱۳۹۲). ارتقای روستا به شهر و تاثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی- شهری (مطالعه موردی: بخش بیضاء- شهرستان سیدان). *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۴(۱)، ۱۰۰-۷۷.
- آمار نامه محصولات کشاورزی شهرستان باشت (۱۴۰۰). *اداره جهاد کشاورزی شهرستان باشت*. ایرنا. استان کهگیلویه و بویراحمد.
- بهارلوئی، کتابون و نظریان، اصغر (۱۳۹۳). جایگاه شهرهای کوچک در سلسله مراتب شهری (مطالعه موردی: استان اصفهان). *آمایش محیط*، ۲۸، ۶۶-۴۷.
- پاشازاده، اصغر و جلالیان، حمید (۱۳۹۷). سنجش رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی در شهر گرمی. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۳(۱)، ۱۶۱-۱۴۵.
- تاج‌زاده، زهره؛ ایمانی جاجرمی، حسین؛ فیروزآبادی، احمد؛ زنگنه شهرکی، سعید و میرزایی، حسین (۱۴۰۱). تبیین الگوی تبدیل روستا به شهر با تاکید بر حق به سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: شهر قلعه نو). *نشریه جامعه‌شناسی ایران*، ۲۲(۴)، ۹۷-۷۶.
- تیمیمی، مونا؛ رحمانی، بیژن؛ مهدوی، مسعود و سرور، رحیم (۱۳۹۶). بررسی ایجاد شهر کوچک و تاثیرات آن بر سکونتگاه‌های روستایی حریم: مطالعه موردی شهر فردوسیه، بخش مرکزی شهرستان شهریار. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۲۰(۴)، ۷۱-۴۹.
- حاجی‌بابایی، سعید؛ زبیری، کرامت‌الله و ذاکر حقیقی، کیانوش (۱۴۰۱). سنجش متغیرهای موثر در گسترش شهر و شبیه‌سازی توسعه کالبدی شهر همدان. *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۷(۱)، ۶۲-۴۹.
- حاضری، صفیه؛ احدنژاد، محسن؛ مشکینی، ابوالفضل و پیری، عیسی (۱۴۰۰). سنجش وضعیت مولفه‌های شکوفایی شهری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۱)، ۸۰-۶۳.
- خراسانی، محمدمبین؛ راستی، هادی و مغدانی، الهه (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت زندگی در شهرهای کوچک با روش فازی (در شهرهای بردخون و بنک در استان بوشهر). *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۴(۵۴)، ۳۶-۷.
- دربان‌آستانه، علیرضا و محمودی، منیژه (۱۳۹۵). ارزیابی کیفیت زندگی در روستا- شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر بانوره). *مجله جغرافیا و توسعه*، ۴۲، ۲۱۸-۱۹۹.
- رحمانی، محمد؛ رحمانی، امیر و زارعیان چهارمی، شهید (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت‌های تاریخی از شاخص‌های کیفیت زندگی (نمونه موردی: محله حاجی شهر همدان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۶)، ۱۱-۲۹.
- رحیمیان، مهدی؛ حافظی، فرشته؛ غلامرضایی، سعید و حسین‌نژاد میر، نسرين (۱۳۹۸). تبدیل روستا به شهر و تاثیر آن بر کیفیت زندگی ساکنان؛ (مورد مطالعه: بیران‌شهر). *فصلنامه آمایش محیط*، ۴۷، ۱۰۵-۸۵.
- رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه (۱۳۸۹). ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان). *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، ۱(۱)، ۶۵-۳۳.
- رفعیان، مجتبی؛ مسعودی رادی، ماندانا؛ رضائی، مریم و مسعودی راد، مونا (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنان از کیفیت سکونتگاهی مسکن مهر (موردشناسی: مهرشهر زاهدان). *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، ۴(۱۲)، ۱۵۰-۱۳۵.
- شکری فیروزجاه، پری؛ احمدی، حسن؛ مهدوی، مانده و خسروی، عباس (۱۳۹۶). سنجش میزان رضایتمندی سکونتی شهروندان از کیفیت محیط در محله‌های شهری (مطالعه موردی: محلات شهر بابلسر). *فصلنامه مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۴(۱۴)، ۵۲-۳۱.
- شوهانی، نادر و کاکایی، نورالدین (۱۳۹۹). رویکرد نوظهور روستا- شهرها و نقش آن‌ها در سازمان‌یابی و تعادل نظام فضایی سکونتگاه‌ها (مطالعه موردی: استان ایلام). *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۴)، ۷۹۶-۷۷۵.
- ضرابی، اصغر؛ علی‌زاده، جابر؛ رنجبرنیا، بهزاد؛ کاملی‌فر، محمدجواد و احمدیان، مهدی (۱۳۹۴). ارزیابی سطح رضایت شهروندان از کیفیت محیط شهری (نمونه موردی: مناطق شهری ده‌گانه کلانشهر تبریز). *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۱۹(۵۱)، ۲۱۹-۱۹۳.

عسکری، ولی الله. (۱۳۹۴). ارزیابی نقش ارتقای روستا به شهر و تاثیر آن در کیفیت زندگی ساکنین (شهر سهرورد). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری (گرایش آمایش شهری)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

عظیمی مهرورز، المیرا؛ مبری، حسین و فرزادمنش، مریم. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر تعلق مکانی و کیفیت محیطی بر ارتقاء رضایتمندی شهروندان از محلات (مطالعه موردی: محله کشاورز منطقه ۶ تهران). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۳(۶۸)، ۳۸۲-۳۶۵.

علی زاده، توحید؛ بابایی اقدم، فریدون؛ علی زاده، جابر و رنجبرنیا، بهزاد. (۱۳۹۲). ارزیابی کیفیت محیط زندگی در روستا- شهرها از دیدگاه ساکنین براساس تکنیک های مبتنی بر منطق فازی (مطالعه موردی: روستا- شهر اصلاندوز). *مسکن و محیط زیست روستا*، ۱۴۷، ۸۲-۶۵.

فراهانی، حسین؛ بهمنی، افشین و جبالی، فرزانه. (۱۳۹۵). فرایند تبدیل سکونتگاه های روستایی به شهر و اثرات آن بر کیفیت زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهر بلبان آباد، شهرستان دهگلان). *فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای*، ۶(۲۲)، ۱۹۱-۲۰۲.

فرج پور باصر، سویل؛ موسوی، سعید و اکبری نامدار، شبنم. (۱۴۰۰). بازشناسی عوامل مؤثر بر کالبد فضاهای مسکونی و سنجش میزان رضایتمندی ساکنان مجتمع های مسکونی از کیفیت کالبدی محیط مسکونی (موردشناسی: مجتمع مسکونی آسمان تبریز). *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه ای*، ۴۱، ۲۲۰-۱۹۵.

فرزیدی، متین؛ پرویزی، رضا؛ دانش شکیب، مریم و آزاده، رضا. (۱۴۰۱). بررسی میزان رضایتمندی شهروندان از عناصر شکل دهنده تعلق خاطر (مطالعه موردی: شهر رشت شهرک مسکونی گله). *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۲(۶۶)، ۲۳۹-۲۲۳.

فلاحی فر، لیلیا. (۱۳۹۵). تحلیل جغرافیایی توانمندی و محرومیت زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین و GIS، دانشگاه شهید چمران اهواز.

قدیری، محمود و شاکری، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی الگوی توزیع جمعیت در نظام شهری مناطق ۱۰ گانه کشور. *نشریه جغرافیا و توسعه*، ۴۰، ۵۸-۴۳.

قربی، میترا؛ اسماعیل پور، نجما و نقوی، مریم. (۱۳۹۶). سنجش رضایتمندی کیفیت محیط سکونت و واحد مسکونی در محلات شهری با تاکید بر اصول نوشهرگرایی مورد نمونه: محله شهید همتی فر شهر کرمان. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۸(۳۱)، ۱۰۴-۸۳.

کریمی، بهرام؛ بدری، سیدعلی و سلمانی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نگرش مردم محلی به سیاست تبدیل روستا به شهر بر حسب محل سکونت (مطالعه موردی: بخش دیلمان، شهرستان سیاهکل). *مدیریت شهری*، ۳۷، ۲۱۲-۱۹۳.

محمدی دوست، سلیمان؛ خانی زاده، محمد علی و نمازیان، فریبا. (۱۳۹۷). سنجش میزان رضایتمندی از مسکن مهر با تاکید بر ابعاد پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر یاسوج). *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۳(۱)، ۲۶۶-۲۵۱.

محمدی، جمال؛ ضرابی، اصغر؛ علی زاده، جابر و رحیمی، حمزه. (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی کیفیت زندگی ساکنان در روستا- شهرها (نمونه موردی: روستا- شهر اصلاندوز). *مطالعات جامعه شناختی شهری*، ۵(۱۵)، ۱۲۲-۹۵.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترسی از طریق <http://www.Amar.org>.

مولائی هنجین، نصرالله؛ کریمیان، مریم؛ بلوچی، عثمان و مغدانی، الهه. (۱۳۹۳). ارزیابی نقش سیاست تبدیل سکونتگاه های روستایی به شهر در کیفیت زندگی ساکنان محلی (موردشناسی: شهرهای بردخون و بَنک، استان بوشهر). *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۲۸، ۳۳-۱۷.

مهاجرانی، علی اصغر؛ حقیقتیان، منصور و یوسف نیا، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر راهبرد تبدیل روستا به شهر بر سبک زندگی افراد در روستاهای نشنیتان، سلامی و جنگل در استان خراسان رضوی، *فصلنامه راهبردهای توسعه روستا*، ۳(۴)، ۴۶۱-۴۷۹.

یزدانی، محمدحسین؛ احمدی، سمیرا و پاشا زاده، اصغر. (۱۳۹۸). بررسی میزان رضایتمندی ساکنین مسکن مهر (نمونه موردی: مسکن مهر شام اسبی اردبیل). *نشریه جغرافیا و برنامه ریزی*، ۲۳(۶۷)، ۳۴۹-۳۲۷.

- Addo, I. A. (2016). Assessing residential satisfaction among low income households in multi-habited dwellings in selected low income communities in Accra. *Urban Studies*, 53(4), 631-650.
- Adriaanse, C. C. M. (2007). Measuring residential satisfaction: a residential environmental satisfaction scale (RESS). *Journal of housing and the built environment*, 22(3), 287-304.
- Anderson, B. (2006) *Social capital, quality of life and information and communication technologies*. Publisher: Routledge.
- Asongu, S. A., Agboola, M. O., Alola, A. A., & Bekun, F. V. (2020). The criticality of growth, urbanization, electricity and fossil fuel consumption to environment sustainability in Africa. *Science of the Total Environment*, 712, 136376.
- Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2006). Perceived residential environment quality in middle-and low-extension Italian cities. *European Review of Applied Psychology*, 56(1), 23-34.
- Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. *Social indicators research*, 88, 297-310.



- Lotfi, S., & Solaimani, K. (2009). An assessment of urban quality of life by using analytic hierarchy process approach (case study: comparative study of quality of life in the North of Iran). *Journal of Social Sciences*, 5(2), 123-133.
- Merschdorf, H., Hodgson, M. E., & Blaschke, T. (2020). Modeling quality of urban life using a geospatial approach. *Urban Science*, 4(1), 5-12.
- Mohit, M. A., Ibrahim, M., & Rashid, Y. R. (2010). Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Habitat international*, 34(1), 18-27.
- Smith, C., & Levermore, G. (2008). Designing urban spaces and buildings to improve sustainability and quality of life in a warmer world. *Energy policy*, 36(12), 4558-4562.
- Sun, L., Yu, X., Li, B., Zhang, H., Sha, D., Wang, Y., ... & Yu, R. (2020). Coupling analysis of the major impact on sustainable development of the typical arid region of Turpan in Northwest China. *Regional Sustainability*, 1(1), 48-58.

**How to cite this article:**

Hosseini, A., & Saberi, A. (2024). Measuring the Satisfaction of the Quality of Life in raw Cities (Case Study: Boostan and Sepidar Cities, Kohgiluyeh and Boyer Ahmad Provinces). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 18(4), 221-236.

ارجا به این مقاله:

حسینی، علی و صابری، علی. (۱۴۰۲). سنجش رضایتمندی کیفیت زندگی در خام‌شهرها (مطالعه موردی: شهرهای بوستان و سپیدار، استان کهگیلویه و بویراحمد). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۸ (۴)، ۲۲۱-۲۳۶.